

نیاز انسان به هنر از دیدگاه روانشناسی (دکتر باستانینژاد)

در خصوص اهمیت و جایگاه هنر کنفوسیوس، اندیشمند و موسیقیدان چینی در ۲۵ قرن پیش گفت "ما نمیتوانیم انتظار داشته باشیم یک نفر بدون یادگیری موسیقی [هنر] به فرهیختگی برسد". با این فرض، پس چرا یادگیری هنر با اصالت و هنروری هنوز به خانه های همگان راه پیدا نکرده است؟ برای درک بهترین مطلب شناسایی ابعاد مختلف نیازهای انسانی اجتناب ناپذیر مینامید.

این سخنرانی به شناسایی، بررسی و اولویت بندی نیازهای انسان با بهره مندی از دیدگاه مزلو میپردازد. این گفتگو تلاش دارد تا با درجه بندی نیاز های انسانی، شامل دوگونه نیازهای برپایه کمبود، مانند نیازهای فیزیکی و امنیتی، و نیازهای برپایه بودن و شدن، مانند نیاز به علم و هنر، به بررسی جایگاه والای هنر در زندگی انسان بپردازد. درک سلسله مراتب نیازهای انسانی به ما کمک خواهد کرد که چگونه برای رسیدن به نیازهای سطح بالاتر باید از نیازهای پایین تر را مرتفع کرد تا به موفقیت دست یافت. در غیر این صورت با ایستادن در نیازهای پایینتر، هیچگاه دستیابی به خودشکوفایی و تکامل برای فرد فراهم نخواهد شد.

شادی، شیوه زندگی (دکتر ریاضی)

موضوع سخن شادی است. و چون این گردهمایی فرهنگی و بیشتر چکامه ای است، هنگام سخن گفتن از شادی به عنوان شیوه زندگی و معنی آن از چامه سرایان بزرگ پارسی گوی اشعاری را گواه خواهد آورد و نیز شادی را از دیدگاه های فلسفی و دینی بررسی خواهد کرد و شواهدی از آئین های کریشنا (خدای شادی)، یهودی، زردشتی، مسیحیت و اسلام ارائه خواهد شد. سعدی می گوید:

جور دشمن چه کند گر نکشد طالب دوست

گنج و مار و گل و خار و غم و شادی به همد

آیا همانطور که گل بی خار نیست و گنج بی مار، آیا لزومی دارد که برای طلب دوست جور دشمن کشید و آیا می توان بی غم و شادمانه زیست؟ موضوع سخن نگاهی گذرا بر این جستار است، و اینکه آیا می توان با توسل به شادی درون حتی با وجود درونسوزش ها مایه غم ها را که می توان تغییر داده، چاره جوئی کرد و آنچه را نمی توان تغییر داد پذیرفت و در نهر روان زندگی شنا کرد و در دام غم گرفتار نشد. زیستن هنر است و برخی از آن به وفور بهره دارند و کسانی نیز از این موهبت سهمی چندان بایسته و شایسته ندارند. آیا می توان به توصیه شاعر شیراز حافظ عمل کرد؟ او چنین اندرز می دهد:

حافظا چون غم و شادی جهان در گذر است

بهتر آن است که من خاطر خود خوش دارم.

تاثیر خیام بر صادق هدایت : فکر، پویش و نویسندگی او (دکتر عیدانی)

در این سخنرانی کوتاه ارتباط فکری و روحی عمر خیام و صادق هدایت و تاثیر آنها بر ذهن عمومی ما بطور خلاصه بررسی خواهد شد. اهمیت این دو متفکر ایرانی، که در بطن فرهنگ و تاریخ غنی ما متولد شده اند، را هرگز نمی توان نه در ذهن فردی و نه در ذهن عمومی ما منکر شد. میان فلاسفه و شعرای ما بندرت مشاهده شده است که مقام ارجمند و جداگانه دو متفکر چنان بر چندین نسل و متفکران مدرن ایران تاثیر ایچنین عمیق داشته باشند. در این گفتگو تاثیر فکر خیام به هدایت و برداشتی که او از خوانش ربا عیات او بعنوان یک شاعر و فیلسوف دارد مورد بررسی قرار می گیرد. اضافه بر این مختصری هم از قریحه حسی هر دو آنها بیان خواهد شد و بر نکاتی از نقش زبان و نوع تصویری نوشته های آنها تعمقی خواهد شد. همچنین نگاهی خواهیم داشت بر نقش فرهنگ ایران در روح و شیوه نگرش صادق هدایت و تاثیر کار هنری، فکری و ارزشهای فردی او به عنوان یک متفکر نو اندیش. در خاتمه از فلسفه، سرشاری قریحه، زیبایی بیان، صحت منطق، قدرت نقد و همچنین مشاهدات وی از موجودیت خود و جهان نکاتی بیان خواهد شد.

مزدک، زن و زمین (آقای عزیزی کوتناپی)

مزدک با چشمانی و رویی سرخفام فریاد زد: خدای بزرگ این سه گوهر "آب خاک و آتش" را به رایگان و یکسان برای همه آفرید و در میان گروه انبوه هزارگان پیروانش بادیستش کالبد مردی را نشان داد و گفت این مرد تادپروز "زن" زمین و آزادی داشت چه کسی اینها را به ستم از او گرفته و برایش مرگ را آورده است

تیسقون شهری در کنار ه ی آبراهه ها و افسانه و باروهای که نشان از دیرینگی و اسطوره و سازمانی گسترده میداد اما در یورش هیتالیان و تباهی و سازش و خودکامی سردمداران و روحانیون دینی و فساد و فقر و روبه سیاهی و نابودی میرفت در اوج این ستیزه های دینی و ستم و تنگدستی مردم اینبار پیامبری از میان مردم با آیه های زمینی برخاست و بنیان گزار اندیشه و سازمان و تفکری شد که بعد سوسیالیزم و پیگاهای اجتماعی از آن تاثیر گرفتند مردی با جانمایه ای پاک آموزگار پاک و مردمداری و مردم سالاری که البته همیشه در تاریخ و با رهنمود مورخین و پادشاهان و زورمدران چهره ای دیگر از او به نمایش گذاشتند اما واکاوی و جستارهایی در نگاه و نوشته های دشمنانش مارا به اندیشه های انسانی و بزرگش رهنمون میکند با این تفکرات: زمین برای همه، تک همسری، آزادی و برابری، مخالفت با کشتار جانوران، گیاهخواری.

زیبایی شناسی، هویت بخشی و هنردر زبان فارسی در برگردان آثاری منظوم و منثور از ادبیات انگلیسی

(دکتر شکوهی)

زبان سرمایه ملی هر قومی است که به مردمان آن قوم هویت می بخشد. زبان چنان به انسان نزدیک است که در زبان فارسی عبارت زبان مادری، در زبان انگلیسی نیز از واژه مادر و در هر زبانی به همین قیاس چنین واژگانی به کار میرود. از آنجا که زبان با تفکر، فرهنگ و قومیت سر و کار دارد و یکی از جلوه های بارز تمامی اینها ادبیات چه در قالب شعر و چه در قالب نثر میباشد، بجاست که در مورد هنرمندی شعرا، نویسندگان و همچنین مترجمین در برگردان این متون به زبان فارسی سخن بگوئیم. زبان فارسی از زمره زبانهای هند و اروپایی است که همانند زبان اسپانیولی میشود آن را زبان لطافت و عشق و یا زبان گل و بلبل نامید. اگر در یک کفه ترازو زبان انگلیسی را به عنوان زبان علم، تکنولوژی و قدرت به حساب بیاوریم، در دیگر کفه آن می توان زبان فارسی را به عنوان زبان عشق و زبان هارمونی به حساب آورد که به همان اندازه نیز میتواند در مخاطبین خود قدرت و غرور بیافریند. شاهد این گفته را میتوان شاهنامه فردوسی دانست که در برابر بزرگترین اثر حماسی غرب یعنی ایلیاد و ادیسی هومر، شاعر به نام یونانی، با غرور می ایستد و حتی به مراتب فراتر از آن رفته و به دلیل چند وجهی بودن زبانی اش در قالب هیجان، عاطفه، تمثیل قهرمانی، عشق و خطای انسانی که همه یکجا در این شاهکار بی نظیر گرد آمده در برابر مجموع آثاری در ادبیات غرب از جمله بهشت گمشده میلتن، شاعر بزرگ انگلیسی، شکسپیر و هومر که هر کدام این عناصر را تک تک دارند قد علم میکند و در کفه ترازوی خود به همان اندازه سنگینی می کند اگر نگوییم از همه اینها سنگین تر است. مقایسه سهراب و رستم سروده متی آرنولد انگلیسی و ترجمه آن توسط آقای منوچهر امیری بخوبی این را نشان می دهد. درسی که می شود آموخت این است که افتخار داشتن زبان شیوا و هنرپروری چون فارسی، زبان شعر و زبان عشق، باعث غرور و سر بلندی همه ما فارسی زبانان است. به این گنجینه افتخار کنیم و سعی کنیم با رشد اندیشه مان به پویایی آن با آموختن این زبان به فرزندانمان کمک کنیم که نسلهای آینده آنها نیز به این سرمایه ببالند. نمونه کوچکی از این نام گذاری در مفهوم کلی کلمه است. زبان انگلیسی نیز چنین بوده ولی به سبب غلبه صنعت و بی تفاوتی افراد در انتخاب نام افراد، حساسیت رابطه قالب- معنایی اسامی بسیار کاهش یافته است.

سیر تکاملی خوشنویسی در ایران قبل و پس از اسلام (آقای شهریار شمس)

قبل از اسلام در ایران خطهای میخی، پهلوی، اوستای و خط تعلیق بسیار رایج بود، که با ظهور اسلام خطهای نسخ و کوفی که از خطهای نبتی و سریانی مشتق شده بود و در عربستان رایج بود در ایران هم رایج گردید سپس خوشنویس بزرگ ایرانی به نام میر علی تبریزی در زمان شاه طهماسب با ادغام خط پر روح و موزون تعلیق و خط نسخ عربی خط جدیدی خلق کرد به نام خط نستعلیق که عروس خطهای جهان شهرت گرفت. از مهمترین حوادث خوشنویسی در ایران ظهور درویش عبدالمجید طالقانی است که استاد مسلم خط شکسته می باشد، در مسیر این تکامل هنرمندان خوشنویس ایرانی خط و نقشی را بهم آمیختند که به نقاشی خط شهرت گرفت و دامنه این هنر وسعت بیشتری یافت. خوشنویسان ایرانی با تلاش و با استفاده از ادبیات غنی عرفای نامی خط پارسی و زبان ایران را از هجوم و یورش بیگانگان حفظ کردند.